نگاه نادرست ابن خلدون به تطور خط و ضعف ابتدائی آن

شاگرد2: در سوره بقره، آیه دویست و هجده، کلمه «رحمت» با «ت» مبسوطه نوشته شده، اما در آیه صد و هفتم سوره آل عمران با «ة» مربوطه نوشته شده است. این ها ربطی به وقف ندارد، چون در هر دو «رحمة الله»، مضاف و مضاف الیه است، اما یکی با تاء مبسوطه و دیگری با تاء مربوطه است.

استاد: بله، عرض کردم مسائله رسم المصحف یک علم است. این هایی که من می گویم ذهن شما را تحریک می کند تا به دنبال این ها بروید. اما وقتی به دنبالش می روید، می بینید چه دم و دستگاه عظیمی است. عده ای آمده اند این ها را بمباران کرده اند و گفته اند این ناسخ چیزی بلد نبوده، خط ضعیف بوده. عبارات عجیبی داشتند. من برخی از آن ها را آورده ام.

اما کسانی که به این صورت بمباران می کنند، بعدا خودشان گیر می کنند. در شرح نهج البلاغه [1] مرحوم خوئی آمده؛ منهاج البراعة ایشان را حاج آقای حسن زاده تمام کرده اند. به نظرم از جلد چهاردهم به بعد بود. بخشی که ایشان تمام کرده اند را نگاه کنید. می گویند این چه حرفی است که می گویند خط ناقص است؟! «غلطٌ جدًّا». خب ابن خلدون گفته! ابن خلدون که سرش نمی شود. او یک تاریخ تمدنی می نویسد، و به خط به عنوان یک پدیده تمدنی است، نگاه می کند. خب همین استدلال و تمام شد؟! یک حرف هایی که در ابتدا جذاب است و وقتی به دنبال آن می روید قسم می خوری که حرف غلطی است. الان می توان قسم خورد که حرف ابن خلدون غلط است. در فدکیه هم گذاشته ام. بعضی از اساتیدی هم که مصحف را پرده برداری کرده اند، صحبت کرده اند. جلسه‌ای بوده، ایشان هم می‌گویند؛ می گویند این چه حرفی است که می گویند عرب خط بلد نبوده، خط ضعیف بوده -و وه من سوء هجاء الأولين[2]- و ... ؟! فرار که «سوء هجاء الاولین» را گفت، خودش جزء نحوی هایی بود که خط امالائی و خط جدید را درآوردند؛ مدافع این ها بودند. او می گفت «سوء هجاء الاولین»، خب ما که نمی توانیم تابع او بشویم. اگر یک غلطی گفت ما هم بگوییم او دارد درست می گوید. لذا می گویند این حرف بسیار غلط است. اتفاقا بعد از زحمت های زیادی این را می گویند؛ به عنوان یک متخصص خط می گویند. مصحف آستان قدس را ایشان تازه پرده برداری کرده. ایشان می‌گویند به طور قطع خطی که در زمان کتابت قرآن کریم بود و قبلش بود، خط بسیار پیشرفته و خوبی بوده. این حرف درست است.

---

[1] منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة نویسنده : هاشمی خویی، میرزا حبیب الله جلد : ۱۶ صفحه : ۲۷۴

[2] معاني القرآن للفراء (١/ ٤٣٩)

«وقوله: وأوضعوا خلالكم الإيضاع: السير بين القوم. وكتبت» بالمألف وألف بعد ذلك، ولم يكتب في القرآن لها نظير. وذلك أنهم لا يكادون يستمرون في الكتاب على جهة واحدة ألا ترى أنهم كتبوا فما تغن النذر «4» بغير ياء، وما تغني الآيات والنذر «5» بالياء، وهو من سوء هجاء الأولين. ولا أوضعوا مجتمع عليه في المصاحف. وأما قوله: وأن لا أذبحنه فقد كتبت بالألف وبغير الألف. وقد كان ينبغي للألف أن تحذف من كله لانها لام زيدت على ألف كقوله: لا خوك خير من أبيك ألا ترى أنه لا ينبغي أن تكتب بألف بعد لام ألف.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژوئن 2024 11:11:26 ب.ظ .
به روزرسانی شده 18 ژوئن 2024 13:52:30 ب.ظ .